

• آقای دکتر تفریحی پایان‌نامه‌های شما در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا چه بود؟

□ تفریحی: به نام خدا پایان‌نامه در دوره کارشناسی ارشد درباره یکی از مفسران به نام سُدی کبیر، بود با عنوان «سُدی کبیر و اقوال او در تفسیر» که این کار را براساس تفسیرهای مجمع‌البیان و المیزان انجام دادم. اما پایان‌نامه دوره دکترا با عنوان «بررسی سبب صدور حدیث شیعه» بود.

• جناب عالی به‌طور مداوم از همکاران وزارت آموزش و پرورش بوده‌اید؟

□ تفریحی: بله، از سال ۱۳۷۰ که دوره تربیت‌معلم بنده پایان یافت، شروع به تدریس در مدارس کردم. از سال ۱۳۷۰ تاکنون بدون وقفه کارم معلمی بوده است و وارد هیچ کار اجرایی نشده‌ام.

• معلم کدام دوره تحصیلی بوده‌اید؟

□ تفریحی: کارم را از مدارس دوره راهنمایی تحصیلی آغاز کردم. در این دوره، قرآن، عربی و دینی تدریس می‌کردم. ولی پس از چند سال عربی را کنار گذاشتم و در دبیرستان فقط به تدریس قرآن و دینی پرداختم تا اینکه با اخذ مدرک دکترا، باز هم در دانشگاه‌ها قرآن را تدریس می‌کنم.

• آقای دکتر تفریحی! از چگونگی شکل‌گیری علایق خود به قرآن بفرمایید. علاقه شما به قرآن چگونه شکل گرفت:

□ تفریحی: اصل خانواده است. شکر خدا خانواده بنده، همیشه مذهبی و مقید به آداب دینی بوده‌اند. برادرم نیز در دفاع مقدس به درجه رفیع شهادت نائل شد. برادر شهیدم، وقتی بنده کلاس اول ابتدایی بودم، قرآن را به من آموزش می‌داد. به برکت قرآن، خیلی زود قرآن‌خوان شدم و پس از آن کار را پی گرفتم و به‌صورت متوالی چند بار قرآن را ختم کردم. البته نمی‌توان از نقش معلم‌ها در مدارس گذشت، زیرا معلمان برای من مشوق‌های خوبی بودند. با تشویق و راهنمایی معلم‌ها در مسابقات شرکت می‌کردم. در سال سوم دبیرستان بودم که فکر کردم خوب است در کنار درس و مشق و تابستان‌ها که همراه پدرم کار کشاورزی می‌کردم، در



دکتر علی تفریحی، معلمی با ۲۷ سال سابقه تدریس قرآن کریم در بجنورد

غفلت از تدبیر در قرآن کریم خسارت بار است

رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی
مهدی مروجی

اشاره

دکتر علی تفریحی در سال ۱۳۴۹ در شهر «ستخواست» از توابع شهرستان «جاجرم» (استان خراسان شمالی) متولد شد. در سال ۱۳۶۸، بعد از گرفتن دیپلم وارد «دانشگاه تربیت‌معلم شهید بهشتی» مشهد شد و در رشته دینی و عربی مدرک کاردانی گرفت. طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴، در مرکز آموزش‌های ضمن خدمت آموزش و پرورش، دوره کارشناسی را به پایان برد و از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ در دوره کارشناسی ارشد تحصیل کرد. سرانجام در سال ۱۳۹۴ از پایان‌نامه دکتراش دفاع کرد. وقتی از سرگروه دین و زندگی استان خراسان شمالی خواستیم تا از فعالان شناخته‌شده قرآن، فردی را برای گفت‌وگو معرفی کند، آقای تفریحی را معرفی کرد. تفریحی ۲۷ سال به‌صورت پیوسته در مدارس و مراکز آموزش عالی استان خراسان شمالی، قرآن تدریس می‌کند و حافظ کل قرآن است. این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

به نظرم اهمیت تدبیر در قرآن در جامعه مغفول است؛ به ویژه در میان اهل فرهنگ، می توان علت عدم توجه به تدبیر را در خلط بین تفسیر و تدبیر دانست

• **جناب عالی از تدبیر در قرآن چه درکی دارید که می فرمایید، هر کس و در هر سطحی از دانش و اطلاعات می تواند تدبیر کند؟**

□ **تفریحی:** به صورت ساده عرض کنم، تدبیر می تواند در یک آیه قرآن هم باشد. یعنی خود را مخاطب آن بدانیم و ببینیم به ما چه می گوید. زیرا قرآن که فقط برای پیغمبر خدا(ص) و برای اهل علم نیامده است، برای هدایت تمام بشر نازل شده است. مثل بخش نامه ای است که صادر می شود و همه مردم را در نظر دارد. لذا همه سعی می کنند از مفاد آن سر در بیاورند تا از منافع آن بهره مند شوند و از هشدارهای آن بر حذر باشند. وقتی قرآن از صفات مؤمنان سخن می گوید، می تواند مثل همان بخش نامه باشد تا به دقت به آن توجه کنیم و خود را با آن صفات بسنجیم که چقدر در ما هست. یا وقتی درباره منافقین می فرماید: وقتی به نماز می ایستند، کسل اند، باید دقت کنیم و ببیندیشیم که هر یک از ما چطور نماز می خوانیم. این کار خیلی راحت است و به داشتن علم خاصی نیاز ندارد. پس همگان می توانیم خود را مخاطب قرآن بدانیم و حداقل خود و کار خود را در آینه آیات قرآن کریم بنگریم. البته علت های دیگر هم دارد، ولی دلیل اساسی همین است که عرض کردم.

• **با عنایت به تجربه درازمدت شما در آموزش قرآن کریم، هم در مدارس و مراکز آموزش عالی و هم در سطح جامعه، می توانیم از شما انتظار داشته باشیم که از وضعیت آموزش قرآن کریم در ابعاد کیفیت کتاب های آموزشی، شیوه تدریس در مدارس و سطح کیفی آموزش معلمان نقدی ارائه بدهید.**

□ **تفریحی:** یکی از نارسایی های موجود در آموزش قرآن در آموزش و پرورش که مسبوق به سابقه است، ناهماهنگی بین مؤلفان کتاب ها و دانشگاه فرهنگیان است که وظیفه تربیت معلم قرآن را به عهده دارد. بنده اکنون در دانشگاه فرهنگیان مشغولم. در این دانشگاه روش آموزش قرآن تدریس شود.

روش کنونی آموزش قرآن مربوط به چند سال قبل است، در حالی که اکنون کتاب ها تغییر کرده اند. یعنی هم زمان با اینکه مؤلفان کتاب های جدید را آماده کرده اند، کلاس های ضمن خدمت روش تدریس نیز برای معلمان برگزار شده اند. ولی دانشجویان این دانشگاه

فرصت هایی که پیش می آید قرآن را حفظ کنم. در حقیقت هدایت خداوند بود که قرآن را حفظ کنم. برای مثال، وقتی گوسفندان را به چرا می بردم، آیتی از قرآن را نیز حفظ می کردم. به این دلیل که نه کلاسی بود، نه آموزشی، مستمر هم نبود و راهنمایی هم نداشتیم، هشت سال طول کشید تا کل قرآن را حفظ کنم. بعد هم با شرکت در امتحان، مدرک درجه ۳ حفظ و مفاهیم قرآن را گرفتم.

• **برای استمرار اشراف به حفظ آیات قرآن، تکرار هم می کنید؟**

□ **تفریحی:** در هر فرصتی که به دست می آید، به ویژه تابستان ها، مرور می کنم تا فراموش نشود.

• **جناب عالی ساکن بجنورد هستید. فعالیت های آموزشی شما همین جا متمرکز است؟**

□ **تفریحی:** از زمانی که وارد آموزش و پرورش شده ام، تمام فعالیت های آموزشی ام در بجنورد بوده است.

• **به غیر از آموزش و پرورش و دانشگاه، چه فعالیت های قرآنی در سطح جامعه دارید؟**

□ **تفریحی:** با مؤسسه های آموزش قرآن هم همکاری می کنم. بیشتر فعالیت بنده در این مؤسسه ها، در زمینه تدبیر در قرآن است.

• **در زمینه تدبیر چه کار می کنید و چه چیز را آموزش می دهید؟**

□ **تفریحی:** به نظرم اهمیت تدبیر در قرآن در جامعه مغفول است؛ به ویژه در میان اهل فرهنگ، می توان علت عدم توجه به تدبیر را در خلط بین تفسیر و تدبیر دانست. می دانیم که تفسیر کاری تخصصی است و کار هر کس نیست. اما می شود گفت: هر کس به اندازه علم و درک خود می تواند در قرآن تدبیر کند. وقتی در قرآن آمده است «یتدبرون القرآن»، مخاطب همگان اند. رسول اکرم(ص) می فرمایند: «یا معاشر الناس تدبروا فی القرآن». ایشان هم با همگان سخن می گویند، پس این کار ممکن است. لذا به دلیل باز نشدن مفهوم تدبیر برای عموم مردم، حتی اهل فرهنگ، آن را با تفسیر اشتباه می گیرند و می گویند تفسیر که کار ما نیست. اهل فن باید به آن بپردازند.

صوت و لحن باعث زینت بخشی به کلاس می شود. متأسفانه اغلب معلمان ما یا در کلاس قرآن نمی خوانند، یا اگر هم بخوانند، خیلی معمولی قرائت می کنند که رونق بخش قرآن در کلاس نیست

از چنین آموزشی محروم اند. این دانشجویان که باید معلم شوند، دارند چیزهای دیگر می خوانند که تاریخ مصرفشان گذشته است. لذا دانشجویان به روز نیستند و از معلمان در حال تدریس عقب مانده اند.

البته در دانشگاه فرهنگیان، هر پایه یک کتاب دارد و در هر نیم سال ۳ ساعت روش تدریس قرآن را آموزش می بینند. اگر بخواهیم کتاب های معلم شش پایه آموزش و پرورش تدریس شود، حجم زیادی دارد. بهتر است از مجموع کتاب های معلمی که در آموزش و پرورش تألیف شده اند، یک کتاب تهیه شود و این کتاب را در دانشگاه فرهنگیان و مراکز ضمن خدمت آموزش و پرورش تدریس کنند. اکنون جای این کتاب در این دو مرکز خالی است. من تا حدی با گزینش بخش هایی از این کتاب ها چنین کاری را کرده ام و در اختیار دانشجویان قرار داده ام، مثلاً در دوره ابتدایی بخش های مشترک داریم، ولی هر پایه بخش آموزشی خاص خود را هم دارد. به هر حال نبود کتاب آموزشی هماهنگ با آنچه در مدارس می گذرد، یک اشکال است.

خوشبختانه کتاب های درسی مدارس هر سال بهتر می شوند. بنده یکی از کسانی هستم که در دوره های ضمن خدمت، هم زمان با تغییر کتاب، برای همکاران تدریس کرده ام. ولی ضعیفی که شاهد آنیم، ضعیفی است که به کار برخی از همکاران معلم ما برمی گردد. در زمینه قرائت و آموزش قرآن این ضعف مشهود است. نمی توان این نارسایی را از طریق آموزش های فضای مجازی برطرف کرد. مرجع اصلی در آموزش فیزیکی و شیمی، کتاب است، ولی در آموزش قرآن چنین نیست. بعضی دانش آموزان در قرآن رتبه استانی یا کشوری دارند. برخی از آن ها در بیرون مدرسه، در کلاس ها و در محافل قرآنی شرکت می کنند. چیزهایی می دانند که ممکن است معلم نماند. مثلاً مباحث صوت و لحن را برخی از دانش آموزان می دانند، ولی بعضی از معلمان از آن ها اطلاعی ندارند یا موارد تجویدی همین طورند.

صوت و لحن باعث زینت بخشی به کلاس می شود. متأسفانه اغلب معلمان ما یا در کلاس قرآن نمی خوانند، یا اگر هم بخوانند، خیلی معمولی قرائت می کنند که رونق بخش قرآن در کلاس نیست تا دانش آموز را به قرآن و معلم علاقه مند کند. به هر حال اطلاعات معلم قرآن باید خیلی زیاد باشد تا بتواند به پرسش ها و نیازهای دانش آموزان پاسخ درست بدهد. لذا معلم باید تجوید بداند، با تفسیر آشنا باشد، تدبیر را به خوبی فهم کند، از اخلاق قرآنی بهره کافی و لازم

داشته باشد، قرآن را درست بخواند، و تا حد ممکن خوش صدا باشد. اکنون چنین نیست و تعداد معلم با این ویژگی ها کم است.

این ها گرچه وظیفه آموزشی نیستند، ولی تأثیر خاصی بر دانش آموزان دارند. معلم با این ویژگی ها می تواند استعدادهای دانش آموزان را در حوزه قرآن کشف و آن ها را جذب کند و پرورش دهد. برای مثال، یک دانش آموز خوش صدا در کلاس داریم، اگر وی جذب قرآن نشود، می رود خواننده می شود؛ معلوم هم نیست که چطور خواننده ای بشود.

• شما کتاب، نوشته و مقاله مستقل هم در زمینه آموزش قرآن دارید؟

تفریحی: نوشته هایی برای مثال در مورد تدبیر دارم، ولی هنوز نتوانسته ام در قالب کتاب آن ها را تدوین کنم. بیشتر هم در قالب جزوه هایی است که برای تدریس در دانشگاه تهیه کرده ام. مقاله های چاپ شده دارم؛ از جمله درباره رسم الخط قرآنی. نیازهای آموزشی آن قدر بنده را مشغول کرده اند که فرصتی برای تدوین و تألیف کتاب برایم نمانده است. ولی از دغدغه های مهم بنده به حساب می آید.

در مجله رشد هم اثر چاپ شده ای دارم با عنوان به نظم در آوردن واژه های قرآن که مربوط به کتاب های سه پایه دوره راهنمایی است. البته سال ها پیش چاپ شده است.

• شما از کیفیت کار معلمان رضایت ندارید. چه پیشنهادی برای افزایش سطح سواد قرآنی و تعمیق آن نزد همکاران معلم دارید که حداقل در سطح استان شما - خراسان شمالی - با توجه به امکانات دنبال شود؟

تفریحی: یکی از راهکارها، برگزاری دوره های ضمن خدمت حضوری است که توضیح داده ام. یکی هم استفاده از نرم افزارهاست. البته نرم افزارهایی که با نیاز معلم و دانش آموز متناسب باشد. برای بخشی از آموزش این نوع نرم افزارها مفیدند؛ مثل نرم افزارهای تجویدی و صوت تخصصی. نرم افزارهایی که به کار معلم می آیند و نرم افزارهایی که دانش آموز می تواند از آن ها استفاده کند. البته انتقاد من از فضای مجازی به معنای رد استفاده از آن نیست، بلکه می تواند به عنوان یکی از امکانات کمک آموزشی به کار آید. بنده در فضای مجازی فعالم و به پرسش ها و شبهه های دانش آموزان و دانشجویان پاسخ می دهم. این کار مستمر بنده است و وقت زیادی

را روی این کار می‌گذارم. زیرا احساس می‌کنم به‌عنوان معلم قرآن وظیفه و رسالت مهمی در این زمینه دارم. آموزش قرآن به جای خود محفوظ است، ولی باید در میدان رفع شبهه بسیار فعال باشیم.

• آیا ممکن است که پرسش‌ها و پاسخ‌ها را برای چاپ مکتوب هم تدوین کنید؟ به‌ویژه آن‌هایی که عمومیت دارند، زیرا وقت گذاشته‌اید، پس بهتر است حداکثر استفاده به عمل آید.

□ **تفریحی:** برای تهیه جواب برخی از پرسش‌ها خیلی وقت می‌گذارم تا پاسخی اساسی و همه‌جانبه داده باشم. زیرا بسیاری از سؤال‌ها تکرار می‌شوند و لازم است به‌صورت بنیانی به آن‌ها بپردازیم و جواب همه‌جانبه‌نگر بدهیم.

سر کلاس هم دانش‌آموزان زیاد می‌پرسند. تا وقتی با دانش‌آموزان درس داشتیم، عمده کارم در کلاس، به پرسش دانش‌آموزان اختصاص داشت. می‌گفتم هر سؤالی دارید، مطرح کنید. الان در دانشگاه به دانشجویان می‌گویم، سؤال‌های خود را نگفته نگذارید. اگر جواب را می‌دانم، همان وقت می‌گویم. وقتی هم به مطالعه و کاوش بیشتر نیاز دارم، می‌گویم در جلسه بعد جواب می‌دهم.

به دانشجویان می‌گویم، شما باید استاد را به چالش بکشید و فقط مستمع نباشید. از من سند و مدرک حرف‌هایم را بخواهید. باید متوجه باشیم که رسالت معلمان برای جهت‌دهی فکری به دانش‌آموزان اهمیت زیادی دارد. نباید از این نکته غفلت کنیم.

معلمان باید در زمینه سؤال‌ها و شبهه‌های روز، کارآمد و آگاه باشند. در فضای مجازی هم، کانال‌های خوب و قوی داریم. معلم دینی و قرآنی باید اهل مطالعه باشد و اطلاعات جانبی روزآمد داشته باشد. زیرا حد پرسش‌ها از معلمان فیزیک، شیمی و ریاضی مشخص است، ولی معلم دینی باید پاسخ‌گوی تمام سؤال‌ها، ابهام‌ها و شبهه‌ها و مشکلات دانش‌آموزان باشد. معلمی می‌تواند در دل دانش‌آموزان خانه کند که از یک طرف سنگ صبور باشد و از طرف دیگر بتواند پاسخ‌های اقتاعی بدهد.

• **روز معلم سال ۱۳۹۷ بود که در دیدار با فرهنگیان، مقام معظم رهبری درباره پرورش معلمان زنده و کارآمد صحبت کردند. البته قبلاً نیز سخنانی از جمله درباره تربیت معلم به‌صورت خاص داشتند. در حقیقت از دوره دکتر نجفی بود که**

مراکز تربیت معلم رو به ضعف و تعطیلی گذاشتند و سعی کردند خارج از چارچوب تربیت معلم، معلم را وارد آموزش و پرورش کنند. شما که با دانشگاه فرهنگیان سروکار دارید، درباره قوت و ضعف احتمالی این مراکز چه نظری دارید؟

□ **تفریحی:** یکی از نقص‌های عمده در جذب معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان، موضوع گزینشی است. متأسفانه الان دقت در گزینش مانند قبل نیست و خیلی راحت از این مورد مهم چشم‌پوشی می‌کنند. زمانی که ما به دانشگاه تربیت معلم رفتیم، چقدر تحقیق محلی می‌کردند و چقدر افراد را در دوره تحصیل زیر نظر داشتند. آن وقت‌ها، هم موقع ورود و هم زمان خروج از دانشگاه، مراحل گزینش داشتیم، الان چنین نیست. اکنون ما با افرادی سروکار داریم که برای تعلیم و تربیت وارد مراکز تربیت معلم نشده‌اند. این افراد به آموزش و پرورش آسیب می‌زنند.

مقام معظم رهبری که واقعاً نظر کارشناسی دقیق در مورد جذب نیرو دارند، فرمودند: تربیت معلم آموزش و پرورش باید از طریق دانشگاه فرهنگیان انجام شود. اینکه دولت آزمون‌های استخدامی می‌گذارد. هزاران نفر را جذب می‌کند و برای آنان در تابستان دوره‌ای می‌گذارد، چطور می‌تواند معلم را آماده کند؟ در حالی که در مدت چهار سال هم نمی‌شود به‌صورت رضایت‌بخش در دانشگاه فرهنگیان این کار را کرد!

بنده در دوره‌های تابستانی تدریس داشته‌ام. در جلساتی که طبق ماده ۲۸ تشکیل می‌شوند نیز تدریس کرده‌ام. همان‌طور که در دانشگاه فرهنگیان تدریس می‌کنم. خب این‌ها خیلی متفاوت‌اند. اگر در یک دوره تابستانی سه‌ماهه، از ساعت ۸ صبح تا به فرض ۸ شب کار کنید، چقدر این فشار می‌تواند برای شرکت‌کنندگان مفید باشد؟ چقدر می‌تواند بازدهی مفید و آموزنده داشته باشد؟ معلوم است که ناکارآمد و آسیب‌رسان است.

همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند، در مواقع اضطرار دوره سه‌ماهه اشکال ندارد. یا برای دوره ضمن خدمت و به اصطلاح دوره بازآموزی یا دانش‌افزایی دوره سه‌ماهه عیبی ندارد. اما در وضع عادی، کار گزینش و آموزش باید از طریق دانشگاه فرهنگیان پیش برود. به نظرم دوره چهارساله خیلی طولانی و خسته‌کننده است و دوره تربیت معلم دو ساله قبل خیلی بهتر بود. هم زودتر نیروها آماده می‌شوند و هم بازدهی بیشتر است.

مقام معظم رهبری که واقعاً نظر کارشناسی دقیق در مورد جذب نیرو دارند، فرمودند: تربیت معلم آموزش و پرورش باید از طریق دانشگاه فرهنگیان انجام شود. اینکه دولت آزمون‌های استخدامی می‌گذارد. هزاران نفر را جذب می‌کند و برای آنان در تابستان دوره‌ای می‌گذارد، چطور می‌تواند معلم را آماده کند؟

با حذف سکون موافقم به شرطی که در لغزشگاهها، یعنی در وضعیت اتصال حروف ناخوانا، سکون را بیاوریم. ما می‌خواهیم به این ترتیب کار خواندن را برای دانش آموز راحت کنیم. این اقدام در همین راستا باید صورت گیرد

• می‌دانیم که در آموزش و پرورش، به اصطلاح قرآن کم‌علامت برای آموزش در اختیار دانش آموزان قرار می‌گیرد. آیا از همین نوع قرآن‌ها در دانشگاه فرهنگیان برای دانشجویانی که قرآن و معارف اسلامی می‌خوانند، استفاده می‌شود یا خیر؟ یعنی این هماهنگی بین این دو نهاد وجود دارد؟
□ **تفریحی:** قرآن‌های کم‌علامت خیلی خوباند و کار قرائت را آسان می‌کنند. زیرا با نگارش زبان فارسی مشابهت دارد. ولی به نظرم در حذف سکون زیاده‌روی شده است.

• چرا سکون را مهم گرفته‌اید و بر حرکات دیگر تأکید ندارید؟

□ **تفریحی:** حذف سکونی که بین کلمه باشد، مشکلی به وجود نمی‌آورد، اما اگر به حروف ناخوانا برسیم، در قرائت این حرف ناخوانا که بعد باید به اولین حرفی بچسبد که یا ساکن یا مشدد است، اگر حرف شمیسی باشد مشدد و قابل تشخیص است، ولی اگر قمری باشد، دانش آموز دچار مشکل می‌شود. مثلاً اگر سه حرف ناخوانا باشد که بدون علامت‌اند، حرف چهارم ساکن هم باز بدون علامت است. در این صورت نمی‌داند که به کدام حرف وصل کند. یعنی در اتصال قبل و بعد حروف ناخوانا گیر می‌کند. البته می‌شود راه میانه‌ای را انتخاب کرد.

با حذف سکون موافقم به شرطی که در لغزشگاهها، یعنی در وضعیت اتصال حروف ناخوانا، سکون را بیاوریم. ما می‌خواهیم به این ترتیب کار خواندن را برای دانش آموز راحت کنیم. این اقدام در همین راستا باید صورت گیرد. این حالت هم محدود است. اما در مورد دانشگاه فرهنگیان، به صورت رسمی و عمومی این کار انجام نمی‌شود که از قرآن کم‌علامت استفاده کنند. به سلیقه استاد بستگی دارد. ممکن است استادی بخواهد از قرآن کم‌علامت برای آموزش استفاده کند، اما در دانشگاه چنین امکانی فراهم نیست.

در دانشگاه دغدغه هماهنگی با آموزش و پرورش را ندارند که عرض کردم و این یک نقص است. دانشگاه باید در نظر بگیرد که این دانشجویان قرار است معلم بشوند و سر کلاس بروند، پس باید با وضعیت و امکانات آن آشنا بشوند. ولی این دغدغه وجود ندارد. بنده در آنجا از نرم‌افزاری استفاده می‌کنم که قرآن کم‌علامت دارد.

• درباره ترویج حفظ قرآن در آموزش و پرورش چه نظری دارید؟

□ **تفریحی:** خب هر چه بیشتر باشد، بهتر است. ولی در مدارس باید این هدف تعقیب شود که دانش آموزان وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند، در طول ۱۲ سال حداقل جزء سی‌ام قرآن را از حفظ داشته باشند. این کار هم باید به تدریج صورت بگیرد و جاذبه هم دارد. البته نباید اجباری باشد. باید با ایجاد جاذبه و تشویق این هدف را پیش برد. می‌توانند امتیازی برای سربازی، در کنکور، در استخدام، یا برای ورود به دانشگاه فرهنگیان قرار بدهند تا مؤثر باشد.

• مانند پیشنهاد شما را هیئت داوران مسابقات سراسری قرآن دانش آموزان سال ۱۳۹۷ در بیانیه پایانی آورد که برای افراد منتخب این مسابقات امتیازات و تسهیلاتی به منظور ورود به دانشگاه فرهنگیان در نظر بگیرند. وزیر سابق آموزش و پرورش هم در روز پایانی بود و شنید .

□ **تفریحی:** باید برای افراد مشوق گذاشت. درست است که روی مشوق مادی نباید زیاد انگشت گذاشت، اما نوع تأثیر آن به شخص بستگی دارد. به هر حال مشوق‌های مناسب در هر کاری لازم است. بانک‌ها که برای همه کارها وام می‌دهند، چه اشکالی دارد که به حافظ قرآن هم که نیاز دارد، وام بدهند!

• دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، همین دانش آموزانی هستند که معلمان محترم از میزان رویکرد آنان به قرآن و قرائت آن رضایت ندارند. خب اینان در دانشگاه فرهنگیان چه وضعی دارند، به ویژه آنانی که فردا باید معلم قرآن و دینی بشوند؟

□ **تفریحی:** آنجا هم ضعف‌هایی را شاهدیم. در مورد گزینش که صحبت کردیم، یکی از ضعف‌ها «فقدان نیازسنجی» است. دانشجویان رشته معارف، باید بار اصلی تدریس قرآن را در مدارس به دوش بگیرند. ولی در زمینه آموزش علوم قرآنی خیلی کاستی دارند. در گزینش به حد لازم به تسلط افراد در قرائت قرآن توجه نمی‌شود که البته حداقل معیار است. حال که وارد شدند، باید برای خروج شرط بگذارند. یکی از شروط تسلط لازم بر قرائت درست قرآن است، زیرا می‌خواهد معلم قرآن بشود.

• جناب دکتر تفریحی متشکریم. در ایفای رسالت معلمی خداوند به شما توفیق بدهد.